

قناری

جستاری در زبان، خط و
ادبیات ایران باستان

بهنام مبارک

قناری



مبارکه، بهنام، ۱۳۴۲	سرشناسه:
قندپارسی - جستاری در زبان، خط و ادبیات ایران باستان	عنوان و نام پدیدآور:
گزارنده و نگارش: بهنام مبارکه	مشخصات نشر:
تهران: هیومبا ۱۴۰۱	مشخصات ظاهری:
۱۴۶ص: ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.	فروست:
گنجینه کتاب‌های چیستا؛ ۲۴.	شابک:
۹۷۸-۶۲۲-۵۸۳۳-۰۳-۶	وضعیت فهرست‌نویسی:
فیبا	یادداشت:
کتابنامه ص. ۱۴۵	موضوع:
زبان‌های ایرانی - تاریخ	موضوع:
Iranian languages - History	موضوع:
خط - ایران - تاریخ	موضوع:
Writing - Iran - History	موضوع:
فارسی باستان	موضوع:
Old Persian language	موضوع:
PIR۴۲	رده‌بندی کنگره:
۴۴۰/۰۰۰۹	رده‌بندی دیویی:
۸۹۴۷۴۰۳	شماره کتابشناسی ملی:
فیبا	اطلاعت رکورد کتابشناسی:

چترپاری

جستاری در زبان، خط و
ادبیات ایران باستان

گزارنده و نگارش

بهنام مبارکه



نشر هیزمبا

۱۴۰۱



نشر هیژمبا

قنچاری

جستاری در زبان، خط و
ادبیات ایران باستان

بهنام مبارکه

ناشر:..... هیژمبا
آماده سازی:..... کارگاه نشر هیژمبا
نوبت چاپ:..... اول ۱۴۰۱
شمارگان:..... ۱۵۰ نسخه
قلم (فونت) اوستایی و پهلوی:..... بهنام مبارکه
چاپ، صحافی:..... دوستان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۸۳۳-۰۳-۶

شماره نشر: ۴۲ / ۲۴-۲۰۱ / ۳-۱۴۰۱

تهران - کارگر شمالی بالاتر از بلوار کشاورز کوچه میر پلاک ۱۸

کد پستی ۱۴۱۸۷۵۴۴۵۳ تلفن: ۶۶۹۰۱۳۷۸

همراه: ۰۹۱۹۰۰۹۵۲۴۹ - ۰۹۱۲۶۸۷۶۹۵۲

همه حقوق برای پدیدآورنده نگهداری شده است

فهرست

۱۱.....	پیش‌گفتار.....
	بخش ۱. دوره باستان
۱۵.....	زبان‌های غیرایرانی.....
۱۵.....	۱. زبان و خط سومری.....
۱۵.....	۲. زبان و خط اکدی.....
۱۶.....	۳. زبان آرامی.....
۱۶.....	۴. زبان سریانی.....
۱۶.....	۵. زبان و خط عیلامی.....
	زبان و ادبیات ایرانی باستان.....
۱۷.....	ادبیات مادی.....
۱۷.....	ادبیات سکایی.....
۱۷.....	زبان فارسی باستان.....
۱۸.....	الفبای فارسی باستان.....
۲۱.....	سنگ‌نوشته‌های هخامنشی.....
۲۶.....	زبان و ادبیات اوستایی.....
۲۸.....	اوستای گاهانی.....
۲۸.....	گاهان یا گاتها.....
۳۰.....	هفت «ها» یا هپتنگ‌های تی.....
۳۰.....	نیایش‌های یسن ۲۷.....
۳۱.....	اوستای نو.....
۳۱.....	یسن‌ها یا یسنا.....
۳۲.....	یشت‌ها.....
۳۵.....	ویسپرد.....
۳۶.....	خرده‌اوستا.....
۳۸.....	وندیداد.....
۴۰.....	آئوگمَدَیجا.....
۴۱.....	هیربدستان و نیرنگستان.....
۴۲.....	هاذخت‌نسک.....

۴۳	وِثانِسک
۴۴	آفرین پیغامبر زرتشت
۴۴	وشتاسپ (= گشتاسپ) یشت
۴۴	الفبای اوستایی

بخش ۲. دوره میانه

۴۹	زبان‌های ایرانی دوره میانه
۴۹	زبان و ادبیات پارتی (پهلوی اشکانی)
۵۳	سکه‌ها
۵۴	مهرها
۵۴	درخت آسوریگ
۵۴	یادگار زریر
۵۵	نوشته‌های مانویان
۵۶	الفبای پارتی
۵۷	الفبای پهلوی
۵۹	زبان و ادبیات فارسی میانه (پهلوی)
۶۰	آثار سنگ‌نوشته (کتیبه‌ای)
۶۰	سنگ‌نوشته‌های دولتی
۶۶	دیوارنوشته‌ها
۶۷	سفال‌نوشته‌ها
۶۷	پوست‌نوشته‌ها
۶۸	سنگ‌نوشته‌های خصوصی
۸۰	پاپیروس‌نوشته‌ها و پوست‌نوشته‌ها
۸۰	سفال‌نوشته‌ها
۸۰	مهرها و مهرواره‌ها
۸۱	فلز‌نوشته
۸۱	سکه‌های ساسانی
۸۳	زند و پازند
۸۴	کتاب‌های پهلوی
۸۴	ترجمه‌ها و تفسیرهای کتاب اوستا به زبان پهلوی
۸۵	متون به نگارش درآمدۀ بر اساس زند
۸۵	دینکرد
۸۸	بُنْدَهش
۸۹	گزیده‌های زادسپَرَم
۹۱	دادِستان دینیگ

۹۱	نامه‌های منوچهر
۹۲	روایات پهلوی
۹۲	پُرسش‌نیه‌ها
۹۳	وَجَرکرد دینی
۹۳	متون فلسفی و کلامی
۹۳	۱. شِکندَگمانیک و یچار / وزار
۹۴	۲. پُس دانشن کامگ
۹۴	۳. گُجستگ اَبالیش
۹۴	کشف و شهود و پیشگوی
۹۴	۱. ارداویراف‌نامه
۹۶	۲. زند و همن یسن
۹۷	۳. جاماسب‌نامه
۹۷	۴. یادگار جاماسبی
۹۸	۵. آمدن و پیدایی شاه‌بهرام ورجاوند
۹۸	اندرز‌نامه‌ها
۹۸	۱. کتاب ششم دینکرد
۹۸	۲. اندرزهای آذرباد مهرسپندان
۹۸	۳. یادگار بزرگمهر
۹۹	۴. اندرز اوشتن دانا
۹۹	۵. اندرز دانایان به مزدیستان
۹۹	۶. اندرز خسرو قبادان
۱۰۰	۷. اندرز پوریو تکیشان
۱۰۰	۸. اندرز دستوران به بهدینان
۱۰۰	۹. اندرز بهزاد فرخ‌پیروز
۱۰۱	۱۰. خیم و خرد فرخ‌مرد
۱۰۱	۱۱. پنج خیم (= خوی) روحانیان
۱۰۱	۱۲. داروی خرسندی
۱۰۱	۱۳. خویشتکاری ریدگان
۱۰۲	۱۴. اندرز کنم به شما کودکان
۱۰۲	۱۵. دادستان مینوی خرد
۱۰۳	رساله‌هایی در آیین کشورداری
۱۰۴	عهد و وصایا
۱۰۵	نامه‌های سیاسی
۱۰۵	خطبه‌های هنگام جلوس بر تخت
۱۰۶	آیین‌نامه‌ها

۱۰۶	تاج‌نامه
۱۰۶	چیستان
۱۰۶	یوشت فریان و آخت
۱۰۷	مناظره و مفاخره
۱۰۷	حماسه / پهلوانی، تاریخ و جغرافیا
۱۰۷	یادگار زریران
۱۰۷	خدای‌نامه
۱۰۸	فقه و حقوق
۱۰۹	شایست‌نشایست
۱۱۲	روایت امید آشوه‌هستان
۱۱۳	روایات آذرفرنبغ فرخزادان
۱۱۳	روایات فرنبغ سروش
۱۱۴	پرسش‌های هیربد اسفندیار فرخ‌برزین
۱۱۴	مادیان هزار دادستان
۱۱۵	پیمان‌نامه زناشویی
۱۱۵	خسرو و ریدگ
۱۱۵	شگفتی‌ها و برجستگی‌های سیستان
۱۱۶	گزارش شطرنج و وضع نرد
۱۱۶	ماه فروردین روز خرداد
۱۱۷	سورسخن
۱۱۸	آیین‌نامه‌نویسی
۱۱۸	داستان‌های منثور
۱۱۸	هزار افسان
۱۱۹	سندبادنامه
۱۱۹	بلوهر و بوداسف
۱۲۰	کلیله و دمنه
۱۲۰	طوطی‌نامه
۱۲۱	شعر
۱۲۲	بلاغت (سخنوری)
۱۲۲	کتاب‌های علمی
۱۲۲	زیج شهریاران
۱۲۳	فرهنگ‌ها
۱۲۳	فرهنگ اویم‌ایوک
۱۲۴	فرهنگ پهلوی
۱۲۴	زبور پهلوی

۱۲۵	گروه شرقی
۱۲۵	زبان سغدی
۱۲۶	آثار غیردینی
۱۲۶	نامه‌های باستانی
۱۲۷	سنگ‌نوشته‌ها
۱۲۸	آثار کوه‌مغ
۱۲۹	آثار دینی
۱۲۹	آثار بودایی
۱۳۰	آثار مسیحی
۱۳۰	آثار مانوی
۱۳۱	کتاب‌های مانی
۱۳۶	اشعار مانوی
۱۳۷	زبان سکایی (ختنی)
۱۳۹	زبان خوارزمی
۱۳۹	آثار خوارزمی میانه (خوارزمی کهن)
۱۳۹	آثار خوارزمی متأخر
۱۴۰	زبان بلخی
۱۴۱	سکه‌ها
۱۴۱	مُهرها
۱۴۱	سنگ‌نوشته‌ها
۱۴۲	دست‌نوشته‌ها
۱۴۳	یافته‌ها و نویافته‌های دیگر
۱۴۵	کتاب‌نامه

پیش‌گفتار

گمان می‌رود سرزمین نخستین آریاها که قومی دام‌پرور بودند، دشتی بوده است که از رود دانوب تا کوه‌های اورال در شرق امتداد دارد. آریاها بر اثر رخدادهایی که شاید دلایلی مانند کمبود خوراک و چراگاه، مسکن، تغییرات آب‌وهوا، ... از یکدیگر جدا شدند و بخشی از آنها به هند و بخشی دیگر به ایران مهاجرت کردند.^۱

نژاد «هندواروپایی» به نژادی گفته می‌شود که امروزه از اسپانیا و پرتغال در قاره اروپا تا ایران، افغانستان، پاکستان و هند در آسیا گسترده شده است؛ ایرانیان جزء دسته شرقی این نژاد (هندواروپایی) به شمار می‌آیند. هندواروپاییان به دو دسته شرقی و غربی تقسیم می‌شوند. دسته‌های غربی، ملت‌های اروپایی هستند و دسته‌های شرقی، ملت‌هایی هستند که «هندوایرانی» نامیده می‌شوند؛ گفتنی‌ست که «هندوایرانی» نیز به دسته‌های «هندی» و «ایرانی» بخش می‌شوند.

۱- نگرش نو دیگری نیز هست که خاستگاه ایرانیان را اروپا نمی‌دانند بلکه بر این باورند آریاییان به ایران کوچ نکردند بلکه برخی از آریاییان که همان مردمان بومی ایران هستند در دوره‌هایی از تاریخ بنا بر دلایل اقلیمی و آب و هوایی به مناطق و سرزمین‌های دیگر کوچ کردند و در آنجا سکنی گزیدند. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به ابراهیم خاستگاه گرین‌ویچ، ۱۳۹۵؛ حمید معماری، فرهنگسرای میردشتی.

زبان فارسی یکی از زبان‌های هندواروپایی است. زبان‌های هندواروپایی به زبان‌هایی گفته می‌شود که بیشتر مردم ساکن در سرزمین‌های آسیا تا اروپا و آمریکا بدان سخن می‌گویند. خانواده‌ی زبان‌های هندواروپایی یکی از بزرگ‌ترین خانواده‌های زبانی است که ریشه و بُن یا مادرِ آن، زبانی فرضی به نام «هندوارپاییِ مادر» است. از زبانِ هندواروپاییِ مادر هیچ سندِ نوشتاری در دست نیست و بر اساس شاخه‌هایی که از آن جدا شده و دیگر آثار، به وجود آن پی برده و آن را بازسازی کرده‌اند.

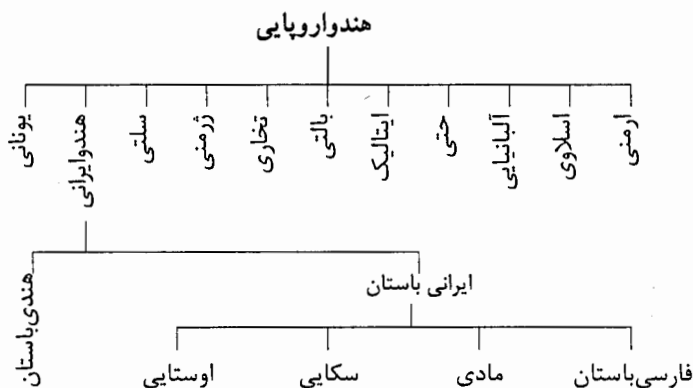
یکی از کهن‌ترین فرزندانِ زبان‌های این خانواده، زبانِ «هندوایرانی» نام دارد. زبان‌های «هندوایرانی» که این هم نامش فرضی‌ست، مادرِ زبان‌هایی است که مردمِ قبیله‌های هندی و ایرانی پیش از جدا شدن از یکدیگر و سکونت در هند و ایران با آن سخن می‌گفتند. «زبان‌های ایرانی شاخه‌ای از زبان‌های هندوایرانی‌اند که از قدیم‌ترین روزگاران تاکنون در درون مرزهای ایران یا بیرون آن متداول بوده‌اند و زبان‌ها و گویش‌هایی را شامل می‌شوند که از نظر ویژگی‌های زبانی وجوه مشترک دارند» (زرشناس، ۱۳۸۲: ۹).

اسناد و مدارکی در دست است که دگرگونی و پویایی زبان‌های ایرانی را در گذر تاریخ نشان می‌دهد. پژوهش‌گرانِ زبان‌شناسی با کندوکاو در این آثار با ارزش و به جا مانده، پیشینه‌ی تاریخ زبان‌های ایرانی را به سه دوره بخش کرده‌اند:

(۱) دوره‌ی باستان (۲) دوره‌ی میانه (۳) دوره‌ی جدید.

دوره‌ی باستان از کهن‌ترین زمانی که از آن نوشته‌هایی به زبان‌های ایرانی به یادگار مانده آغاز می‌شود و با فروپاشی شاهنشاهی هخامنشی پایان می‌یابد. از زبان‌های این دوره چهار زبان مادی، سکایی، فارسی باستان و اوستایی را می‌شناسیم. از فارسی باستان سنگ‌نوشته‌های هخامنشی و از

زبان اوستایی کتاب دینی زرتشتیان، اوستا، باقی مانده است. زبان‌های دورهٔ میانه از فروپاشی دودمان هخامنشی آغاز می‌گردد و تا ابتدای دوران اسلامی ادامه دارد. زبان‌های دورهٔ میانه را از دیدگاه زبانی و جغرافیایی به دو گروه «غربی» و «شرقی» بخش می‌کنند. زبان‌های ایرانی میانهٔ غربی عبارت‌اند از «پارتی» یا «پهلوی اشکانی» و «فارسی میانه» یا «پهلوی». زبان پارتی در دورهٔ اشکانیان و در شمال و شمال شرقی ایران رایج بوده است. زبان فارسی میانه (پهلوی) زبان جنوب و جنوب غربی ایران بوده و در دوره ساسانی بدان گفت‌وگو می‌شده است. دورهٔ نو زبان‌های ایرانی را در بر می‌گیرد که شامل زبان فارسی و گویش‌ها و زبان‌های ایرانی است که در ایران و خارج از ایران رایج بوده است. مهم‌ترین زبان این دوره «فارسی دری» را می‌توان نام برد. نمودار زیر (← مصاحب، ۱۳۴۵: ۱۱۶۶-۱۱۶۷) ریشه و بن زبان‌ها را روشن‌تر نشان می‌دهد:



این کتاب در دو بخش به معرفی زبان و ادبیاتِ دوره‌ی «باستان» و «میان» پرداخته است. نگارنده کوشش نموده زبان‌های هر دوره و آثارهای باقی‌مانده از آنها را با تکیه بر پژوهش‌ها و داشته‌های خود و همچنین استفاده از پژوهش‌های ارزشمند دیگران به شرح زیر به خواننده معرفی نماید:

بخش نخست: شناخت زبان‌های غیرایرانی و زبان و ادبیاتِ ایرانی باستان، آشنایی با الفبای خط فارسی باستان (میخی)، معرفی سنگ‌نوشته‌های هخامنشی و برگزیده‌ای از این یادگارهای ارزشمند، شناخت زبان اوستایی، آشنایی با اوستا و دیگر آثار برجای مانده به زبان اوستایی، برگزیده‌ای از متن‌های معرفی شده اوستا، شناخت خط و الفبای اوستایی.

بخش دوم: شناخت زبان پارتی اشکانی، آثار بر جای مانده از این زبان، الفبای پارتی، شناخت زبان پهلوی ساسانی (کتابی و کتیبه‌ای)، آثار بر جای مانده از این خط (ادبیاتِ نوشتاری، سنگ‌نوشته، سکه، مهر...)، الفبای پهلوی، شناخت زبان سغدی، ادبیات مانوی، زبان خوارزمی و بلخی.

خویشکاری نیاکان ما برای پاسداری از هر آنچه داشته‌اند، در هر زمینه‌ای، و به یادگار نهادن آنها ستودنی و فراموش نشدنی است. آنها به اسباب و ابزار امروزی ما دسترسی نداشتند اما بر سینه کوه، بر سفال، بر چرم و... نگاشتند تا فرهنگ این سرزمین از فراموشی و نابودی در امان بماند. بی‌گمان گنجینه‌های بسیار باارزشی همچنان در دل خاک یا سینه کوه خود را از ما پنهان کرده‌اند اما کاش بتوانیم از آنچه به چشم آمده یا خواهد آمد چون دُری ارزشمند برای آیندگان پاس بداریم.

بهنام مبارکه

تهران - تیر ۱۴۰۱

دوره باستان

زبان‌های غیرایرانی

پیش از آنکه آریایی‌ها به سرزمینی که امروز ایران نام دارد، بیایند در بخش غربی و جنوب غربی ایران، مردمانی زندگی می‌کردند که دارای زبان و ادبیات و فرهنگ و تمدنی پُر بار بودند. زبان و خط این مردمان عبارت بودند از:

۱. زبان و خط سومری: قوم سومری در سه هزار سال پیش از میلاد در جنوب عراق امروزی می‌زیستند؛ این قوم در تاریخ اقوام جهان منفرد است چرا که زبان و فرهنگ آنان با هیچ زبان و فرهنگی خویشاوندی ندارد. زبان سومری کهن‌ترین زبان نوشته شده‌ای است که به جا مانده و گویا خط میخی از اختراعات خود آنها بوده است.

۲. زبان و خط اکدی: قدیمی‌ترین زبان از شاخه سامی است. دوره تاریخی این قوم که بر قوم سومر چیره شدند و فرهنگ و تمدن آنان را کسب کردند به دوهزار سال پیش از میلاد می‌رسد. خط اکدی، میخی هجایی است که از خط میخی هجایی سومری گرفته شده است.

۳. زبان آرامی: آرامیان مردمانی سامی نژاد بودند؛ بنابر نوشته تورات و اسناد اکدی، نام آرامی به قبایل بیابانگردی گفته می‌شد که از شمال عربستان تا سوریه و فلسطین کوچ می‌کردند. آرامیان رفته رفته در داخل مناطق متمدن ساکن شدند و با مردم این مناطق درآمیختند. شهرنشینان آرامی زبان، در دولت‌های اکدی به کار می‌پرداختند و در شاهنشاهی هخامنشی نیز به کارمندی دستگاه‌های دولتی گمارده شدند. هخامنشیان در اداره برخی از ناحیه‌ها، از زبان آرامی استفاده می‌کردند.

زبان آرامی با خطی به نام آرامی به نگارش درمی‌آمد. این خط از راست به چپ و نویسه‌های آن جدا از یکدیگر نوشته می‌شد. شاید خط آرامی از القبای فنیقی ریشه گرفته است.

۴. زبان سریانی: زبان سریانی یکی از گویش‌های آرامی به‌شمار می‌رود. مسیحیان ایران در دوران پادشاهی ساسانی این زبان را به کار می‌بردند. خط سریانی برگرفته از خط آرامی است. این خط از راست به چپ نوشته می‌شد و نویسه‌های آن به یکدیگر متصل می‌شدند. خط سریانی به سه گونه سریانی کهن، سریانی نستوری و سریانی یعقوبی تقسیم می‌شده است.

۵. زبان و خط عیلامی: در سه هزار سال پیش از میلاد عیلامیان در منطقه کوهستانی میان‌رودان تا فلات ایران و در میانه رشته کوه‌های زاگرس، لرستان و خوزستان امروزی زندگی می‌کردند.

خط عیلامی در ابتدا تصویری بوده و پس از آن به خط میخی‌هایی تکامل یافته است. زبان عیلامی مدتی یکی از زبان‌های رسمی دوران هخامنشیان بوده است. این زبان مانند سومری با هیچ‌یک از زبان‌های کهن و جدید خویشاوندی ندارد.

زبان و ادبیات ایرانی باستان

ادبیات مادی

مادها نخستین دولت ایرانی هستند؛ آگاهی‌های ما از مادها بنا بر سال‌نامه‌های دولت‌هایی‌ست که در میان‌رودان فرمانروایی می‌کردند و همچنین تاریخ‌نگاران یونانی آگاهی‌هایی از آنان به دست می‌دهند.

از دوره ماد هیچ نوشته‌ای بر جای نمانده است. اما تاریخ‌نگاران یونانی در نوشته‌های خود به داستان‌ها، قصه‌ها و اشعار این دوره اشاره کرده‌اند. از زبان مادی، تنها چند واژه بر جای مانده که بیشتر آنها نام‌های خاص هستند که در آثار یونانی و فارسی‌باستان ثبت شده است. نمونه‌ای از داستان‌های حماسی مادی روایت کتزیاس از رخدادهایی است که منجر به پایه‌گذاری دولت ماد گردید.

ادبیات سکایی

سکاها مردمانی ایرانی بودند که هزار سال پیش از میلاد در دو سوی دریای خزر، دشت‌های جنوب روسیه و ماوراءالنهر زندگی می‌کردند. از زبان سکاها جدا از نام‌های خاص که در کتیبه‌های آشوری و یا نوشته‌های یونانی و لاتینی باقی مانده است، چیزی در دست نیست.

زبان فارسی باستان

زبان فارسی باستان، نیای زبان فارسی امروزی به‌شمار می‌رود. زبانی است که در دوره هخامنشی در پارس بدان گفت‌وگو می‌شده و شاهان هخامنشی کتیبه‌های خود را به زبان فارسی باستان در دل کوه‌ها به یادگار گذاشته‌اند. فارسی باستان به الفبایی نوشته شده که به سبب شباهت

نشانه‌های آن به میخ ۲، الفبای میخی نام‌گذاری شده است.

چنین پیداست که زبان فارسی باستان به شکل نوشتاری جدا از کتیبه‌های شاهان هخامنشی که به خط میخی به نگارش درآمده در جای دیگری به کار نرفته است. زبان و خط اداری و نوشتاری در دوره هخامنشی «آرامی» بود. «دبیران آرامی اسناد اداری را به خط آرامی بر پوست و پاپیروس با قلم و مرکب می‌نوشتند و دبیران خزانه‌داری که احتمالاً ایلامی بودند، اسناد خزانه کاخ شاهی را به زبان و خط میخی ایلامی و بر لوح‌های گلی می‌نگاشتند. سنگ‌نوشته‌های شاهان هخامنشی تنها آثار مکتوب زبان فارسی باستان‌اند که به خط میخی نگاشته شده‌اند و کتابت آنها هم‌زمان با تألیفشان است» (زرشناس، ۱۳۸۲: ۱۵).

الفبای فارسی باستان

الفبای فارسی باستان، الفبایی هجایی است^۱ به این معنی که هر نشانه (حرف) همراه با آوا (صدا) است؛ مانند:

𐎠 = «ن»، 𐎡 = «ن» | 𐎢 = «ک»، 𐎣 = «ک» | 𐎥 = «ز»، 𐎦 = «ز»

که در واقع یک نشانه بی‌صدا و صدا دار با هم همراه هستند.

خط میخی دارای ۳۶ نشانه «هجایی - الفبایی»، هشت کوتاه‌نگار و دو واژه‌جداکن است. برای شمارش نیز نشانه‌هایی داشته‌اند که پاره‌ای از آنها به ما رسیده است. الفبای خط میخی دارای ۲۲ نشانه صدا دار است که صدای زبر یا فتحه دارد:

۱- دیدگاه دیگری نیز در بین تنی چند از پژوهشگران مطرح است که خط میخی فارسی باستان، نخستین خط کاملاً الفبایی جهان است ← چنین گفت داریوش، ۱۳۸۵: فضل‌الله نیک‌آیین، نشر ققنوس.

ka	ک	ča	چ	ta	ت	pa	پ
ya	ی	va	و	ga	گ	ja	ج
da	د	ba	ب	ra	ر	la	ل
xa	خ	θa	ث	fa	ف	sa	س
ša	ش	θra	ثر	na	ن	ma	م
				za	ز	ha	ه

دارای چهار نشانه با صدای زیر یا کسره است:

ji	ج	di	د	vi	و	mi	م
----	---	----	---	----	---	----	---

دارای هفت حرف است با صدای پیش یا ضمه:

ku	ک	tu	ت	ru	ر	gu	گ
		du	د	nu	ن	mu	م

دو نشانه در این خط هست که کلمات را از هم جدا می‌کند. یکی نشانه $\searrow$ که کاربرد بیشتری دارد؛ و دیگری نشانه‌ای که به این شکل $\swarrow$ است. پیش‌تر گفته شد، خط میخی افزون بر ۳۶ حرف دارای ۸ نشان به عنوان کوتاه‌نگار است، مانند:

$\swarrow$	= خَشایِ نِی = شاه	$\searrow$	= بوم = زمین
$\swarrow\swarrow$	= آهورَمَزَد = اهورامزدا	$\searrow\searrow$	= دَهْیو = کشور
		$\searrow\searrow\searrow$	= بَگ / بَغ = خدا

شمارش، عدد

بنا بر کتیبه‌های شاهان هخامنشی، شکل حسابی اعداد در فارسی باستان در دست است اما از چگونگی نوشتن الفبایی آن جدا از چند مورد آگاهی نداریم، مانند:

$$\begin{aligned} \text{دووی تی} &= \text{دوم} / \text{دومین} \\ \text{نری تی} &= \text{سوم} / \text{سومین} \end{aligned}$$

• نمونه‌هایی از اعداد حسابی:

۲	۱	<	۱۰	<<<	۳۰	<<<<	۶۰
۲	۲	<	۱۱	<<<	۳۳	<<<<	۷۰
۲۲	۳	<	۱۲	<<<<	۳۸	<<<<	۸۰
۲۲	۴	<	۱۵	<<	۴۰	<<<<<	۹۰
۲۲۲	۵	<	۱۹	<<	۴۴	۲	۱۰۰
۲۲	۶	<	۲۰	<<<	۴۷	۲۲	۱۰۳
۲۲۲	۷	<	۲۱	<<<	۵۰	۲<	۱۱۶
۲۲۲۲	۸	<	۲۳	<<<	۵۶	۲	۱۲۰
۲۲۲۲۲	۹	<	۲۶	<<<<	۵۹	۲<	۱۶۹

• گزیده‌ای از متن سنگ‌نوشته هخامنشی:

سنگ‌نوشته‌ای در آرامگاه داریوش یکم در نقش رستم است. داریوش در بالا و کنار دیواره بیرون آرامگاه خود در نقش رستم با دو نوشته بزرگ که هر کدام به سه زبان فارسی باستان، عیلامی و اکدی نوشته شده یادگاری بی‌مانند از خود برجای گذاشته است.

[illegible]

خدای بزرگ است اهورامزدا، که این زمین را آفرید، که آن آسمان را آفرید، که مردم را آفرید، که شادی مردم را آفرید، که داریوش را شاه کرد، یک شاه از بسیاری، یک فرماندار از بسیاری.

سنگ‌نوشته آریامنه: (نزدیک به ۶۴۰-۵۹۰ پ.م) این سنگ‌نوشته که در همدان کشف گردیده، دربردارنده معرفی شاه و نسب او، ستایش اهورامزدا و درخواست پشتیبانی از او.

سنگ‌نوشتهٔ آرشام: (نزدیک به ۵۹۰-۵۵۹ پ.م) این سنگ‌نوشته که بر روی لوحه‌ای از طلا نگاشته شده نیز در همدان کشف گردیده و همانند سنگ‌نوشتهٔ آریامنه در بردارندهٔ معرفی شاه و نسب او، ستایش اهورامزدا و درخواست پشتیبانی از او.

سنگ‌نوشته کورش: (۵۵۹-۵۳۰ پ.م) سه سنگ‌نوشته کوچک و آسیب‌دیده از این پادشاه هخامنشی در دشت مرغاب به دست آمده که در آنها پادشاه

خود را معرفی کرده است.

سنگ‌نوشته داریوش: (۵۲۲-۴۸۶ پ.م) از داریوش بزرگ سنگ‌نوشته‌هایی در بیستون، فارس، نقش‌رستم، شوش، سوئز، الوند و همدان برجای مانده است:

● سنگ‌نوشته بیستون: سنگ‌نوشته بزرگی به سه زبان فارسی، باستان، اکدی و عیلامی که مهم‌ترین سنگ‌نوشته داریوش هخامنشی است. این سنگ‌نوشته در زیر نقش برجسته داریوش، سرداران و اسیران کنده شده است. داریوش در این سنگ‌نوشته داریوش چیرگی بر بردیای دروغین و شورشیان و به شاهی رسیدن خود را بیان کرده است. افزون بر این سنگ‌نوشته بزرگ، ده سنگ‌نبشته کوچک که هر یک دربردارنده تنها چند واژه از نام شورشیان است. سنگ‌نوشته دیگر نیز در ۱۸ سطر در بیستون کشف گردیده که در آن داریوش خود را معرفی می‌کند.

● سنگ‌نوشته فارس: (الف) در تخت‌جمشید که شامل هفت سنگ‌نبشته بر لوحه‌های طلا و نقره است به دست آمده که نوشته‌های آن در بردارنده: (۱) ستایش اهورامزدا، (۲) توصیف سرزمین پارس و سرزمین‌هایی که خراج‌گزار او بودند، (۳) اندرز به فرمانروایان آینده و نیایش.

ب) در نقش‌رستم دو سنگ‌نوشته بزرگ شصت سطری که درون مایه آن تا اندازه‌ای همانند سنگ‌نبشته‌های تخت‌جمشید بر جای مانده است. همچنین چند سنگ‌نوشته کوچک نیز در اینجا به دست آمده است.

● سنگ‌نوشته شوش: در شوش ۲۱ کتیبه از داریوش بر جای مانده

است. یکی در ۵۲ سطر که متن آن در بردارنده:

(۱) ستایش اهورامزدا، (۲) معرفی داریوش (۳) نام سرزمین‌های خراج‌گزار (۴) روش فرمانروایی و بیان برخی از کارهای داریوش، (۵) نیایش و آرزوی نیک برای خود.

دیگری در ۵۸ سطر که متن آن در بردارنده: (۱) ستایش اهورامزدا، (۲) معرفی داریوش و ستایش اهورامزدا که پادشاهی را به او بخشایش کرده است، (۳) در بیان ساخت کاخ شوش و مواد ساختمان به کار رفته در آن، (۴) نیایش و آرزوی نیک برای خود و پدر و کشورش.

● سنگ‌نوشته سوئز: سه سنگ‌نوشته در آبراه سوئز کشف شده که مهم‌ترین آنها بر لوحه‌ای از سنگ گرانیت در دوازده سطر با درون‌مایه: (۱) ستایش اهورامزدا، (۲) معرفی داریوش، (۳) فرمان‌کندن آبراه میان رود نیل و دریای سرخ.

● سنگ‌نوشته الوند: در جنوب غربی همدان سنگ‌نوشته‌ای در ۲۰ سطر بر دامنه کوه الوند در جایی که به «گنج‌نامه» مشهور است، بر جای مانده که در بردارنده: (۱) ستایش اهورامزدا، (۲) معرفی داریوش. گمان می‌رود این سنگ‌نوشته به دستور خشایارشا به نگارش درآمده است.

● سنگ‌نوشته همدان: شامل لوحه‌های سیمین و زرین به سه زبان با درون‌مایه: (۱) معرفی داریوش، (۲) سرزمین‌های تحت فرمان او.

سنگ‌نوشته خشایارشا: (۴۸۶-۴۶۵ پ.م) از این پادشاه نیز سنگ‌نوشته‌هایی در تخت جمشید، شوش، وان و همدان برجای مانده است:

• سنگ‌نوشته‌های تخت جمشید: از خشایارشا سومین پادشاه

هخامنشی دوازده سنگ‌نوشته در تخت جمشید در دست است:

□ سنگ‌نوشته‌ای در ۲۰ سطر دربردارنده: (۱) ستایش اهورامزدا، (۲) معرفی خشایارشا (۳) بیان ساختن دهلیزی در تخت جمشید و بنای ساختمان‌های دیگر (۴) نیایش و آرزوی نیک.

□ سنگ‌نوشته‌ای در ۳۰ سطر با درون‌مایه: (۱) ستایش اهورامزدا، (۲) معرفی شاه (۳) گزارش بنا کردن ساختمان در تخت جمشید و جاهای دیگر، (۴) نیایش و آرزوی نیک.

□ سنگ‌نوشته‌ای در ۱۵ سطر شامل: (۱) ستایش اهورامزدا، (۲) معرفی شاه (۳) گزارش ساخت کاخی به فرمان داریوش، پدر خشایارشا، (۴) نیایش و آرزوی نیک.

□ سنگ‌نوشته‌ای در ۱۹ سطر دربردارنده: (۱) ستایش اهورامزدا، (۲) معرفی شاه (۳) گزارش ساخت کاخ به دستیارِ خشایارشا، (۴) نیایش و آرزوی نیک.

□ سنگ‌نوشته‌ای در ۴۸ سطر شامل: (۱) ستایش اهورامزدا، (۲) معرفی شاه (۳) بیان این‌که داریوش به عنوان پدر و گشتاسب به عنوان جد اوست، (۴) این‌که داریوش از میان همه فرزندان خشایارشا را به جانشینی برگزیده است (۵) نیایش و آرزوی نیک.

□ سنگ‌نوشته‌ای در ۶۰ سطر دربردارنده: (۱) ستایش اهورامزدا، (۲) معرفی شاه (۳) نام‌های سرزمین‌های زیر فرمان، (۴) گزارش فرونشاندن شورش‌ها در این سرزمین‌ها، (۵) بیان ویران نمودن پرستشگاه‌های خدایان رانده شده و سامان‌دهی کارهای نادرستی که در آنجا انجام گرفته بود، (۶) اندرز و نیایش و آرزوی نیک.